

بسم الله الرحمن الرحيم

امام حسين عليه السلام را چه قدر می شناسید؟
درجات متفاوت معرفت به امام حسين عليه السلام و آثار
و برکات آن

به مناسبت ایام ولادت امام حسين

عليه السلام

به قلم: استاد حوزه علمیه مشهد

حجه الاسلام والمسلمين حاج شيخ حسن طالبیان شريف



حسینی شدم، از بس پدرم گفت:

«حسین»

السلام علیک یا ابا عبدالله و علیح الارواح التی حلت بفنائک

علیک منی سلام الله ابدًا ما بقیت و بقی اللیل و النهار

و لا جعله الله آخر العهد منی لزیارتکم

السلام علی الحسین و علی علی بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین.

این حسین کیست که عالم، همه دیوانه اوست

این چه شمع‌ی است که جانها، همه پروانه اوست

هر که از عشق تو دیوانه نشد، عاقل نیست

عاقل آن است که از عشق تو، دیوانه شود.

صحبت کردن و قلم زدن راجع به شخصیت با عظمت امام حسین علیه السلام، مشکل است زیرا افراد عادی و

معمولی را توان درک عظمت کمالات و مقامات علمی و معنوی ایشان نیست.

امام حسین علیه السلام، امام و حجت خدا هستند.

طبق روایت امام رضا علیه السلام، راجع به امام معصوم:

الامام واحد دهره.

امام معصوم، یگانه روزگارش است در جمیع کمالات علمی و معنوی.

.

و کسی نمی تواند شانی از شئون مقام امام معصوم را آنطور که باید و شاید، درک نماید.

آری، ما افراد عادی را نمی رسد که درباره عظمت مقامات و کمالات علمی و معنوی امام حسین علیه السلام سخن بگوییم یا قلم بزنیم.

و اگر کسی، چنین ادعایی کند که من به حقیقت اوج کمالات و مقامات معنوی امام حسین علیه السلام رسیده ام و می توانم کما هو حق، حق مطلب را ادا کنم، نهایت حماقت و بی سوادى و نادانى خود را به همگان، آشکار و اثبات نموده است.

آنها که معرفت بیشتری، به ساحت قدس امام حسین علیه السلام دارند، هر چند در جهت تکریم و تجلیل از شخصیت علمی و معنوی امام حسین علیه السلام، نهایت تلاش و کوشش خود را به کار می برند، و فضایل و مناقب ایشان را با افتخار، منتشر می نمایند ولی در کمال ادب و تواضع، از صمیم قلب، معترف هستند که نمی توانند اوج کمالات و مقامات علمی و معنوی امام حسین علیه السلام را بیان نمایند:

یک دهان خواهم به پهنای فلک

تا کنم من وصف آن، رشک ملک.

آری.

هزار بار شستم دهان خود ، با آب و گلاب

هنوز نام تو بردن در کمال بی ادبی است.

آری، من نیز در کمال صراحت و شفافیت، با نهایت تواضع و ادب، از صمیم قلب، اعتراف می کنم که نمی توانم حق مطلب را ادا نمایم و از عهده بیان فضایل و مناقب امام حسین علیه السلام، آنچنانکه شایسته مقام و منزلت ایشان است، قلم بزنم.

از طرفی فضایل و مناقب ایشان، آنقدر زیاد است که قابل وصف نیست.

پس خطاب به حضرت امام حسین علیه السلام عرض می نمایم که:

کتاب فضل تو را آب بحر، کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

از طرفی دوست دارم فضایل و مناقب سید و مولایم، محبوبم، آقایم حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را بگویم و دنیا را با امام حسین علیه السلام آشنا نمایم و بگویم که چنین آقا و مولایی دارم که :

عشق من خورشید چرخ اطلس است

یک نگاه او، به یک عالم بس است.

آقا و مولایی دارم که به همه خوبیها و مکارم اخلاق، مزین است و به اذن خدا، بر انجام هر کاری، توانا است.

کافی است قصد نماید، به کسی لطف و عنایت نماید. خواستن همان و تحقق یافتنش، همان.

پس با استعانت از خداوند متعال و توسل به ساحت قدس حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و اقرار به عجز و ناتوانی بحث خود را آغاز می نمایم.

مراتب شناخت و معرفت نسبت به امام حسین علیه السلام متفاوت است که آن شالیه به بخشهای مختلف و لایه های مختلف درجات معرفت ایشان در حد خود، اشاره می نمایم.

پایین تر درجه شناخت و معرفت ایشان، زندگانی شناسنامه ای ایشان است که در اینجا به آن اشاره می نمایم:

امام حسین علیه السلام، نام ایشان، «حسین»، کنیه ایشان، «ابا عبدالله»، و لقب ایشان، «سیدالشهدا» است.

امام حسین علیه السلام در سال چهارم هجری قمری در شهر مکه، متولد شدند.

***پدر امام حسین علیه السلام :**

امیرالمومنین علی علیه السلام بودند که بهترین صحابی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بودند، اولین کسی بودند که مسلمان شدند و در تمام صفات کمال علم، معنویت، تقوا، مکارم اخلاق، شهامت، شجاعت، زهد، قضاوت، اخلاص و... از همه اصحاب امت اسلام، بهتر بودند و تابع محض و مطیع رسول الله بودند تا آنجا که به نص ایه قرآن، ایشان، نفس پیامبر به شمار رفته اند و جز نبوت و رسالت، در همه کمالات، شبیه و مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هستند. پیامبر اسلام، در موارد بسیار درباره فضایل و مناقب امیرالمومنین علی علیه السلام سخن گفته اند که اصحاب پیامبر، آنها را از زبان پیامبر شنیده اند و برای دیگران نیز کم و بیش، بیان می نمودند.

از آن جمله، این حدیث شریف است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره عظمت علمی ایشان فرموده است:

انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد المدینه و الحکمه ، فلیاتها من بابها.

من شهر علم هستم و علی، در آن شهر است پس هر کس می خواهد از علم من استفاده کند و اطلاع یابد باید از طریق علی وارد شود.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام را به عنوان «امیر المومنین» معرفی نموده اند که کسی دیگری حق ندارد غیر از آنحضرت، به عنوان «امیر المومنین» معرفی نماید.

پیامبر اسلام قبل از وفات خود، حضرت علی علیه السلام را در مکانی به نام غدیر خم، به عنوان خلیفه، جانشین، امام و وصی بعد از خود در میان امت اسلامی معرفی کردند و از اصحاب خود که در غدیر خم، حضور داشتند و هزاران نفر بودند، بیعت گرفتند.

پیامبر خدا، تبعیت و اطاعت از امیر المومنین علی علیه السلام را واجب اعلام کردند و ایشان را به جای خود به عنوان ارشاد و هدایت امت مسلمان، از جانب خدا، منصوب و به مردم معرفی کردند. متأسفانه پس از درگذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله، بر خلاف دستور ایشان، نگذاشتند، ایشان، خلافت و حکومت بعد از پیامبر را عهده دار شود و حق ایشان را غصب کردند و به ایشان، ظلم کردند. ۲۵ سال حضرت، صبر کردند تا بعد از قتل عثمان، مسلمین به ایشان مراجعه کرده و از ایشان درخواست نمودند که حکومت و خلافت مسلمین را عهده دار شوند. با اصرار مردم، ایشان، خلافت و حکومت رسمی ظاهری را قبول کردند که مدت حکومت ایشان، ۵ سال طول کشید. متأسفانه در این مدت نیز عده ای مخالفت نموده و کارشکنی ننموده و مردم را به مخالفت با ایشان فراخواندند و بدینگونه جنگ صفین، جمل و نهروان را به ایشان تحمیل نمودند. در این جنگها، هزاران نفر کشته شدند. و مسئولیت شرعی این کشته ها، بر عهده کسانی بود که مردم را بر علیه حضرت امیر المومنین علی علیه السلام، تحریک نموده و وادار به جنگ کردند. امیر المومنین علی علیه السلام در این جنگها بر علیه دشمنان خود شرکت نمودند و فرزندان ایشان از جمله امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نیز شرکت داشتند. امیر المومنین علی علیه السلام در ۱۹ ماه مبارک رمضان در حال نماز در مسجد کوفه، مورد حمله یکی از، خوارج به نام ابن ملجم مرادی قرار گرفت. این دشمن خدا با شمشیر زهر آلود، بر فرق مبارک امیر المومنین علی علیه السلام زد که در اثر این ضربه، حضرت مجروح شده و در ۲۱ ماه مبارک رمضان به شهادت رسیدند.

امیرالمومنین علی علیه السلام را در نجف، به خاک سپردند.

در مراسم غسل، جنوط، کفن، نناز، و دفن ایشان، فرزندان ایشان از جمله امام حسین علیه السلام شرکت داشتند.

*مادر امام حسین علیه السلام، حضرت فاطمه:

حضرت فاطمه سلام الله علیها دختر پیامبر اسلام بودند.

حضرت فاطمه، در کمالات علمی و معنوی، بسیار ممتاز بودند و در ردیف امیرالمومنین علی علیه السلام بودند. در روایتی از اهل بیت علیهم السلام وارد شده است که اگر خدا، امیرالمومنین علیه السلام خلق نمی نمود، کفو و همسری در کمالات برای حضرت فاطمه پیدا نمی شد از حضرت آدم گرفته تا آخرین نفر (البته پیامبر اسلام، استثنا هستند). حضرت فاطمه، تربیت شده رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و از پیامبر، تبعیت و اطاعت می کردند و در کوچکترین تعالیم و دستورات ایشان، نافرمانی نمی کردند بنابراین در اوج کمال ایمان، تقوا، اخلاق بودند و نظیری در امت اسلامی، در میان زنان، برایشان نبود. لذا پیامبر اسلام، ایشان را بهترین زن امت اسلام معرفی نمودند.

بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه را جزو ۴ زن صاحب کمال برتر تاریخ بشریت معرفی نموده اند و باز در میان این ۴ زن نیز ایشان را برترین معرفی نموده اند. راجع به عظمت حضرت فاطمه سلام الله علیها، مقاله ای نوشته ام که تحت عنوان: «حضرت فاطمه، بهترین بانوی صاحب کمال بهشت» منتشر شده است. این مقاله، با همین عنوان، در اینترنت، قابل جستجو و دسترسی است. حضرت فاطمه، پس از مدت کوتاهی پس از شهادت پیامبر اسلام، در جریان حمله به خانه ایشان، مجروح گردیده و به شهادت رسیدند. طبق نقل معتبرترین قول شهادت، تاریخ شهادت ایشان، ۳ جمادی الثانی است. حضرت فاطمه، در منزل خودشان، به خاک سپرده شدند. طبق برخی نقلها ایشان در قبرستان بقیع دفن شدند یا بین قبر پیامبر و منبر ایشان دفن شدند.

جد مادری امام حسین علیه السلام ، پیامبر اسلام:

جد مادری امام حسین علیه السلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هستند که سید الانبیا و المرسلین هستند یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، بهترین پیامبران الهی هستند. پیامبر اسلام، از نظر ظاهری و شکل و شمایل، بدنی قوی و تنومند داشتند و بسیار زیبا و جذاب و نمکین بودند. ایشان در کمالات علمی و معنوی، در میان تمام انسانها و بلکه در مخلوقات الهی، از همه ممتاز بودند.

ایشان، سید و آقای همه مخلوقات الهی هستند. مقرب ترین بنده خدا و محبوبترین پیامبر الهی هستند. جمیع علوم ملائکه و انبیا و اوصیا را خدا به پیامبر اسلام، عنایت کرده بود. پیامبر، در میان انسانها، زیباترین فرد بودند و در اخلاق نیز خوش اخلاق ترین فرد بودند.

امیرالمومنین علی علیه السلام از نظر شکل و شمایل، به پیامبر اسلام، شبیه بودند ولی امام حسن و امام حسین شباهت بیشتری به پیامبر داشتند. بلکه در صورت و سیرت، شبیه ترین فرد به پیامبر بودند. حضرت پیامبر اسلام در جوانی و سن ۲۵ سالگی با حضرت خدیجه سلام الله علیها ازدواج کردند. حضرت خدیجه نیز جوان و حدود سن ۲۵ سال بودند. حاصل ازدواج این دو بزرگوار، ۶ فرزند شد. دو پسر به نامهای قاسم و عبدالله که در همان کودکی وفات یافتند در مکه. و چهار دختر که به ترتیب سن عبارت بودند از: زینب، ام کلثوم، رقیه و حضرت فاطمه.

راجع به عظمت شخصیت علمی و معنوی پیامبر اسلام ، مقاله ای نوشتم که تحت عنوان:

«جمعیت مسلمین در سال ۲۰۵۰ میلادی، با مسیحیان برابر می شوند.» منتشر شد. این مقاله در اینترنت، قابل جستجو و دسترسی است.

جده مادری امام حسین علیه السلام

ام المومنین حضرت خدیجه سلام الله علیها:

جده مادری امام حسین علیه السلام، حضرت خدیجه سلام الله علیها بودند.

ام المومنین حضرت خدیجه سلام الله علیها، مادر حضرت فاطمه سلام الله علیها بودند و حضرت فاطمه نیز مادر امام حسین علیه السلام.

ام المومنین حضرت خدیجه سلام الله علیها، از تجار بزرگ عرب بودند و مقیم مکه. ملکه عرب بودند که از ثروت فراوانی برخوردار بودند. حضرت خدیجه را عقیله قریش می گفتند. حضرت خدیجه در کمال عقل و تدبیر و درایت بود و از هوش و ذکاوت و زیرکی بسیار برخوردار بود. بسیار زیبا، عقیفه و صالحه بود. بسیاری از تجار و بزرگان عرب، به خواستگاری ایشان آمدند ولی ایشان قبول نکرد. ولی وقتی پیامبر اسلام، به خواستگاری ایشان آمدند، بلافاصله قبول کرد و از این ازدواج، استقبال کرد. چون می دانست ایشان، همان پیامبر اخرا الزمان است که انبیا، به آمدن ایشان بشارت داده اند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله، بهترین پیامبران الهی است. حضرت محمد صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه ازدواج کردند و دو پسر به نامهای قاسم و عبدالله برایشان متولد شد که در همان کودکی در مکه وفات یافتند. و چهار دختر برایشان متولد شد که به ترتیب سن عبارتند از: زینب، ام کلثوم، رقیه و حضرت فاطمه.

۱۵ سال پس از ازدواج حضرت محمد با حضرت خدیجه، حضرت محمد صلی الله علیه و آله در سن ۴۰ سالگی مبعوث به رسالت شدن. امیرالمومنین علی علیه السلام، اولین کسی بودند که اسلام آورده بودند و دومین نفری که مسلمان شد، حضرت خدیجه سلام الله علیها بودند. حضرت خدیجه، اولین زنی بودند که مسلمان شدند. حضرت خدیجه، حاضر یودند که آبرو، مال و جان خود را فدای پیامبر اسلام نمایند. اولین ازدواج پیامبر با حضرت خدیجه بود. در میان زنان پیامبر، حضرت خدیجه، با کمال ترین، با ایمان ترین، خوش اخلاق ترین و محبوبترین همسر پیامبر اسلام بود.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه را جزو ۴ زن صاحب کمال تاریخ بشریت معرفی کرده اند و همچنین ۴ زن با کمال برتر بهشت.

راجع به حضرت خدیجه سلام الله علیها، مقاله ای نوشتم که تحت عنوان: «ام المومنین حضرت خدیجه، محبوبترین همسر پیامبر» منتشر شد. این مقاله، در اینترنت، قابل جستجو و دسترسی است.

***جد پدری امام حسین علیه السلام، حضرت ابوطالب علیه السلام:**

***جده پدری امام حسین علیه السلام حضرت فاطمه بنت اسد:**

پدر امام حسین علیه السلام، امیرالمومنین علی علیه السلام بودند و پدر ایشان حضرت ابوطالب علیه السلام بود. حضرت ابوطالب علیه السلام در زمان جاهلیت، از بزرگان مکه بودند و ریاست قبیله قریش را بر عهده داشتند. دارای مقام و منزلت اجتماعی خاصی در میان مردم مکه بودند. منصب سقایت زمزم و رفادت را بر عهده داشتند. یعنی در زمان حج، حجاج بیت الله که به مکه می آمدند و تشنه و گرسنه بودند، حضرت ابوطالب علیه السلام به آنها خوش آمد می گفتند و آنها را سیراب نموده و اطعام می نمودند. پیامبر اسلام، هنوز به دنیا نیامده بودند که پدرشان درگذشت. ۶ ساله بودند که مادرشان در گذشت و از ناحیه پدر و مادر، یتیم شدند. پدر بزرگشان حضرت عبدالمطلب، سرپرستی ایشان را تا آن موقع بر عهده داشت. پیامبر، ۸ ساله بودند که ایشان نیز درگذشت. از ۸ سالگی، سرپرستی پیامبر را، حضرت ابوطالب علیه السلام بر عهده گرفت و در منزل خودشان برد و ایشان در آنجا رشد و پرورش یافت تا در سن ۲۵ سالگی، برای پیامبر، از حضرت خدیجه به خواستگاری رفتند و پذیرفته شد. حضرت ابوطالب علیه السلام، عقد ازدواج ایشان را خواند. در ۴۰ سالگی، پیامبر، مبعوث به رسالت شدند و حضرت ابوطالب علیه السلام از پیامبری ایشان در برابر کفار و مشرکین مکه حمایت کرد و از جان پیامبر، محافظت می کردند تا اسلام پیشرفت کرد و و مسلمین، قوت یافتند. در سال دهم بعثت، حضرت ابوطالب علیه السلام در مکه در گذشت. حضرت ابوطالب علیه السلام، در آغاز بعثت پیامبر، به ایشان اسلام آورد ولی اسلام و ایمان خود را از کفار قریش، پنهان می نمود تا بیشتر از پیامبر و مسلمین دفاع کند. همسر ایشان حضرت فاطمه بنت اسد نیز در آغاز بعثت پیامبر، مسلمان شد. ایشان بعد از حضرت خدیجه مسلمان شد. ایشان نیز از موقعی که پیامبر، ۸ ساله بود و به منزل حضرت ابوطالب علیه السلام آمده بود، خیلی به پیامبر، اظهار لطف و محبت می کرد. و آنحضرت را از فرزندان خود بیشتر دوست داشت. حضرت فاطمه بنت اسد، تا زمانی که زنده بود از پیامبر اسلام، حمایت نمود. و هنگامی که وفات نمود، پیامبر از درگذشت ایشان متأثر شد و ایشان را مانند مادر خود می دانست. دستور تجهیز ایشان را صادر کرد و پیراهن خود را کفن ایشان نمود و در قبر ایشان خوابید و بر ایشان نماز خواند. حضرت فاطمه بنت اسد، در قبرستان بقیع، به خاک سپرده شد.

راجع به عظمت حضرت ابوطالب علیه السلام و همسر بزرگوارشان و فرزندان ایشان، مقاله ای نوشته ام که تحت عنوان: «حضرت ابوطالب، حجت خدا و وصی پیامبران الهی» منتشر شده است. در اینترنت، نیز قابل جستجو و دسترسی است.

***خاله های امام حسین علیه السلام:**

امام حسین علیه السلام، دارای سه خاله بودند به نامهای زینب، ام کلثوم و رقیه که اینها دختران پیامبر اسلام و حضرت خدیجه بودند و خواهرهای مادرشان حضرت فاطمه.

که پدر و مادرشان، نام دو خواهر امام حسین علیه السلام را از روی نام آنها برداشته باشند و دختران خود را زینب و ام کلثوم نامیدند.

***دایی های امام حسین علیه السلام:**

جناب قاسم و عبد الله، دایی های امام حسین علیه السلام بودند که البته در کودکی وفات یافتند.

***عموهای امام حسین علیه السلام: جناب طالب، جناب جعفر طیار، جناب عقیل**

امام حسین علیه السلام، سه عمو بزرگوار داشتند به نامهای طالب، عقیل و جعفر طیار.

جناب طالب از همه عموها بزرگتر بود و در جریان جنگ بدر، مفقود شد. ایشان در همان ابتدای اسلام، مسلمان شد.

جناب عقیل، نیز در همان ابتدای اسلام، مسلمان شد. ایشان در تاریخ عرب و انساب عرب، بسیار مهارت داشت و در میان مردم عرب، در این جهت ممتاز بود. جناب عقیل، دارای فرزندان متعدد پسر و دختر بود و عمر طولانی نمود. به نقلی در زمان معاویه، به شهادت رسید. ایشان به امیرالمومنین علی علیه السلام، علاقه زیادی داشت.

امیرالمومنین علی علیه السلام پس از شهادت حضرت فاطمه سلام الله علیها ازدواجهای متعددی داشتند و از آنها دارای فرزندان زیادی شدند.

برخی دختران امیرالمومنین علی علیه السلام از همسران دیگر ایشان با پسر عموهای خود یعنی فرزندان جناب جناب عقیل ازدواج کردند. فرزندان و نوه های جناب عقیل مانند جناب مسلم بن عقیل در جریان داستان کربلای امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند. جناب مسلم بن عقیل، سفیر و نماینده خاص امام حسین علیه السلام به کوفه بود که برای ایشان از مردم کوفه، بیعت گرفت و حدود ۱۸ هزار نفر توسط ایشان با امام حسین علیه السلام بیعت کردند ولی متأسفانه با آمدن ابن زیاد به کوفه و حاکم شدن او در کوفه و تهدید آنها، به حضرت مسلم بن عقیل و امام حسین علیه السلام خیانت کردند و باعث شدند، جناب مسلم بن عقیل و برادران و برادر زاده هایش و بالاخص امام حسین علیه السلام و فرزندان و برادران و اصحاب امام حسین علیه السلام به شهادت برسند. روزی امیرالمومنین علی علیه السلام از پیامبر پرسیدند: آیا شما عقیل را دوست دارید؟ فرمودند: بله. و فرزندان او در راه فرزندان به شهادت می رسند و ملائکه بر آنها گریه می کنند. در میان شهدای کربلا و اصحاب خاص امام حسین علیه السلام نام این بزرگواران آمده است. و در زیارت ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام به ایشان اشاره شده است. عموی دیگر امام حسین علیه السلام، جناب جعفر طیار است. ایشان همان بزرگواری است که در اول اسلام، مسلمان شد. و در هنگامی که مسلمانان به حبشه رفتند، رهبری مسلمانها را بر عهده داشت و طبق گفتگویی که با پادشاه حبشه، «نجاشی» نمود، ایشان را مسلمان کرد. وی در سال هفتم هجری قمری به مدینه برگشت. و در سال هشتم هجری به دستور پیامبر، به جنگ موته رفت و فرماندهی لشکر مسلمانان را با روم برعهده داشت. در آنجا جنگ نمایانی کرد و در همان جنگ، به شهادت رسید. دستانش در راه خدا قطع شد و پیامبر، برای او دعا کردند که دو بال به او داده و در بهشت پرواز کند که دعای ایشان مستجاب شد و ایشان از همان زمان به جعفر طیار معروف شد. نمازی مخصوص نیز پیامبر به او آموختند که به نماز جعفر طیار شناخته می شود و دارای آثار و برکاتی است. دو پسر ایشان، دامادهای امیرالمومنین علی علیه السلام هستند. جناب عبدالله بن جعفر با حضرت زینب سلام الله علیها ازدواج کرد و برخی فرزندان ایشان در کربلا در راه دفاع از امام حسین علیه السلام، به شهادت رسیدند و در کربلا و حرم امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند.

جناب عون بن جعفر، پسر دیگر جناب جعفر نیز با حضرت ام کلثوم ازدواج کرد. جناب عون بن جعفر در کربلا در راه دفاع از امام حسین علیه السلام به شهادت رسید و در همانجا به خاک سپرده شد. همسر ایشان، حضرت ام

کلثوم نیز در کربلا حضور داشت و اسیر شد.

راجع به جناب جعفر طیار و همسر ایشان اسما بنت عمیس و فرزندان ایشان جناب عبدالله بن جعفر و جناب عون بن جعفر مطالبی نوشته ام که در مقاله هایی تحت عنوان:

«شخصیت علمی و معنوی حضرت زینب و همسر بزرگوارشان جناب عبدالله بن جعفر» و «سیری در شخصیت علمی و معنوی حضرت ام کلثوم»، منتشر شده است و در اینترنت تحت همین عنوانها، قابل جستجو و دسترسی است.

***عمه های امام حسین علیه السلام: (ام هانی و جمانه):**

امام حسین علیه السلام دارای دو عمه بودند به نامهای ام هانی و جمانه که با پدرشان امیرالمومنین علی علیه السلام، از یک پدر و مادر بودند.

این دو بزرگوار در همان ابتدای اسلام، مسلمان شدند و بالاخص ام هانی علاقه زیادی به پیامبر و امیرالمومنین علی علیه السلام داشت. معراج پیامبر در منزل ام هانی اتفاق افتاد. به نقلی، ام هانی با پیامبر ازدواج کرد.

***امام حسین علیه السلام بهترین نسب را داشتند:**

روزی پیامبر در میان اصحاب خود نشسته بودند و در آن حال فرمودند: آیا به شما بگویم چه کسی بهترین پدر و مادر و جد و جده و عمو و خاله و دایی را دارد؟ اصحاب پاسخ دادند: بفرمایید یا رسول الله.

پیامبر اسلام فرمودند: حسن و حسین (امام حسن و امام حسین. البته این نسب شامل حال خواهران ایشان یعنی حضرت زینب و ام کلثوم هم می شود). ایشان بهترین پدر را دارند که علی بن ابیطالب است، بهترین مادر را دارند که فاطمه دختر من است، بهترین جد را دارند که من باشم، بهترین جده را دارند که خدیجه است، بهترین دایی را دارند که قاسم است فرزند من، بهترین خاله را دارند که زینب است که دختر من است، بهترین عمو را دارند که جعفر طیار است، و بهترین عمه را دارند که ام هانی است. در این روایت، جا داشت به حضرت ابوطالب و حضرت فاطمه بنت اسد نیز اشاره می کردند که البته احتمال دارد در برخی نسخه ها به آن روایت اشاره شده باشد.

*برادر امام حسین علیه السلام، امام حسن:

برادر بزرگتر امام حسین علیه السلام، امام حسن علیه السلام هستند. که امام حسین علیه السلام با ایشان، از یک پدر و مادر هستند. امام حسن علیه السلام، در کمالات علمی و معنوی بسیار ممتاز بودند. امام حسین علیه السلام، ایشان را از خودشان، افضل و بهتر می دانستند. امیرالمومنین علی علیه السلام، پس از خود، امام حسن علیه السلام را به عنوان امام معصوم، خلیفه و حاکم پس از خود معرفی نمودند. امام حسن علیه السلام پس از امیرالمومنین علی علیه السلام، به حکومت اسلامی رسیدند ولی متأسفانه مسلمین و بالخصوص لشکر ایشان از آن بزرگوار، حمایت جدی نکردند و به ایشان خیانت کردند و خود را به معاویه فروختند و باعث شکست لشکر امام حسن علیه السلام می شدند. امام حسن علیه السلام ناچار به صلح با معاویه شدند. و پس از آن در مدینه، سکونت نموده و به ارشاد و هدایت مردم مسلمان می پرداختند و قدرت و حکومت، به دست معاویه افتاد و توسط زنی به نام جعده، امام حسن علیه السلام را به شهادت رساند. امام حسن علیه السلام در ۲۸ ماه صفر سال چهارم هجری قمری در مدینه به شهادت رسیدند و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شدند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، نوه های خود، امام حسن و امام حسین را خیلی دوست داشتند و این دو بزرگوار را دو سید و آقای جوانان بهشت، معرفی نموده اند.

پیامبر اسلام به امر خدا، ۱۲ جانشین معصوم و خلیفه پس از خود را معرفی کرده بودند که بر مردم واجب بود از ایشان تبعیت و اطاعت کنند تا سعادت مند گردیده و بهشتی شوند. پیامبر، حق خلافت و حکومت بر مسلمین را پس از خود، منحصر بر این بزرگواران بیان نموده بودند که عبارتند از :

امام و خلیفه اول رسول الله:

امیرالمومنین علی علیه السلام

امام و خلیفه دوم رسول الله:

امام حسن علیه السلام

امام و خلیفه سوم رسول الله:

امام حسین علیه السلام بودند.

امام و خلیفه چهارم رسول الله:

امام سجاد علیه السلام بودند.

***خواهران امام حسین علیه السلام:**

امام حسین علیه السلام، دو خواهر داشتند که از یک پدر و مادر بودند. خواهران ایشان عبارت بودند از: حضرت زینب سلام الله علیها و حضرت ام کلثوم سلام الله علیها که نامهای ایشان را بخاطر نام خاله هایشان زینب و ام کلثوم دختران پیامبر و خدیجه نامگذاری کرده بودند.

امام حسین علیه السلام با خواهران خود، بسیار صمیمی و مهربان بودند. همچنین خواهران ایشان نیز بسیار امام حسین علیه السلام را بسیار دوست داشتند. در جریان سفر امام حسین علیه السلام به کربلا که به شهادت ایشان منجر شد، حضرت زینب سلام الله علیها و حضرت ام کلثوم سلام الله علیها نیز حضور داشتند و سختیها و مصیبتهای زیادی را تحمل نمودند. این دو خواهر، پس از شهادت امام حسین علیه السلام، اسیر شدند و با همکاری یکدیگر مدیریت کاروان اسرای امام حسین علیه السلام را برعهده داشتند. با سخنرانیهای خود، یزید و حکومت بنی امیه را مفتضح و رسوا نمودند و حقانیت امام حسین علیه السلام را به اثبات رساندند. حضرت زینب و حضرت ام کلثوم، دارای شخصیت علمی و معنوی ممتازی بودند و از محضر علمی و معنوی امیرالمومنین علی علیه السلام، حضرت زهرا سلام الله علیها، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام استفاده برده بودند.

راجع به عظمت حضرت زینب سلام الله علیها، مقاله ای نوشتم که تحت عنوان: «شخصیت علمی و معنوی حضرت زینب و همسر بزرگوارشان عبدالله بن جعفر» منتشر شده است. همچنین راجع به عظمت حضرت ام کلثوم نیز مقاله ای نوشته ام که تحت عنوان: «شخصیت علمی و معنوی حضرت ام کلثوم» منتشر شده است. این دو مقاله، تحت همین عنوانها در اینترنت، قابل جستجو و دسترسی است.

*** تذکر:**

امیرالمومنین علی علیه السلام پس از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، ازدواجهای متعددی داشتند با خوله حنفیه، امامه، حضرت ام البنین، لیلی و... که حاصل این ازدواجهای متعدد، فرزندان بسیار پسر و دختر شد که

برادران و خواهرانی برای امام حسین علیه السلام به وجود آورد. شاخص ترین و معروف ترین این برادران، قمر منیر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام هستند که علم دار کربلا و فرمانده لشکر امام حسین علیه السلام در کربلا بودند. رشادت و شهامت و اخلاص، محبت، معرفت و ادب و ایثار ایشان نسبت به امام حسین علیه السلام در حدی بود که نام بقیه برادران و خواهران خود را تحت الشعاع قرار داد. در جریان داستان کربلای امام حسین علیه السلام، تعداد زیادی از این برادران شرکت داشتند که به شهادت رسیدند و خواهران امام حسین علیه السلام نیز حضور داشتند که اسیر شدند و به کوفه و شام رفتند و بعد به مدینه شهر خود برگشتند.

***زندگانی امام حسین علیه السلام:**

امام حسین علیه السلام در سال چهارم هجری قمری در مدینه متولد شدند. پدر ایشان امیرالمومنین علی علیه السلام داماد پیامبر اسلام و امام معصوم و خلیفه وصی ایشان در میان امت اسلام بودند. مادر ایشان، حضرت فاطمه سلام الله علیها دختر پیامبر اسلام و بهترین بانوی صاحب کمال امت اسلام بلکه بهترین بانوی صاحب کمال تاریخ بشریت و بهترین بانوی صاحب کمال بهشت بودند. جد مادری ایشان، پیامبر اسلام و جده مادری ایشان، ام المومنین حضرت خدیجه سلام الله علیها بودند. جد پدری ایشان حضرت ابوطالب علیه السلام و جده پدری ایشان حضرت فاطمه بنت اسد سلام الله علیها بود.

در چنین خاندان با عظمت علمی و معنوی متولد شدند.

نام ایشان توسط پیامبر اسلام، نامگذاری شد «حسین».

حسین، اسم مصغر «حسن» است.

حسن کوچکتر.

پیامبر، برای امام حسین علیه السلام در روز هفتم، عقیقه کردند.

به برکت امام حسین علیه السلام، فطرس ملک، یکی از ملائکه مقرب الهی، به خاطر تاخیری در پذیرش یک فرمان الهی که - ترک اولی کرده بود-، موقعیت و منزلت معنوی خود را از دست داده بود، حالا به برکت امام حسین علیه السلام و توسل به ایشان، به مقام و موقعیت قبلی خود در میان ملائکه، نائل شد.

هنگام تولد امام حسین علیه السلام، ملائکه، گروه گروه به خدمت پیامبر رسیده و تولد امام حسین علیه السلام را به ایشان، تبریک و تهنیت عرض می نمودند و در ضمن از سرنوشت ایشان در پایان عمر، به شهادت، خبر می دادند.

در دوران نوزادی و شیرخواری امام حسین علیه السلام، اعجازی رخ داد و آن این بود که مادر ایشان، شیر نداشت و از انگشت پیامبر، شیر جاری می شد و ایشان از انگشت پیامبر، شیر می خورد.

امام حسین علیه السلام، دوران شیرخواری را به اتمام رساندند و دوران کودکی را آغاز نمودند.

پیامبر، امام حسن و امام حسین را بسیار دوست داشتند و تمام صحابه، از شدت محبت و علاقه پیامبر به این دو بزرگوار، مطلع بودند.

امام حسن و امام حسین، در دوران کودکی، بر روی زانوان پیامبر می نشستند؛ بر روی شانه پیامبر، قرار داشتند؛ از سر و کول پیامبر در نماز، بالا می رفتند و پیامبر، به احترام ایشان، سجده را طولانی تر می کردند؛ به اصحاب خود، هم با گفتار و هم با رفتار خود، نشان می دادند که این دو نوه خود را بسیار دوست دارند. و سفارش آنها را به اصحاب خود می فرمودند. امام حسن و امام حسین، کودکی حدوداً ۷ ساله بودند که پیامبر، به شهادت رسیدند. درگذشت پیامبر، خیلی بر امام حسن و امام حسین، سخت گذشت.

پیامبر درباره این دو بزرگوار می فرموده بودند:

الحسن و الحسين، امامان، قاما او قعدا

امام حسن و امام حسین، امام هستند چه قیام کنند، چه قیام نکنند.

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امام حسن و امام حسین فرموده بودند:

الحسن و الحسين، سیدا شباب اهل الجنة

یعنی امام حسن و امام حسین، دو سید و آقای جوانان اهل بهشت هستند.

تذکر: طبق روایات، کسی که داخل بهشت می شود، جوان می شود و امام حسن و امام حسین، دو آقا و سرور جوانان اهل بهشت معرفی شوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راجع به امام حسین علیه السلام فرموده اند:

ان الحسین، مصباح الهدی و سفینه النجاه.

به درستی که امام حسین، چراغ هدایت و کشتی نجات است.

امام حسین، کودکی حدود ۷ساله بودند که پیامبر، به شهادت رسیدند. پس از شهادت پیامبر، طبق دستور پیامبر، قرار بود خلافت و حکومت بعد از رسول خدا، به امیرالمومنین علی علیه السلام برسد و مسلمانان در غدیر خم، با ایشان بیعت کرده بودند ولی کودتای سقیفه پیش آمد و امیرالمومنین علی علیه السلام را از حق شرعی خود، منع نمودند. به این کار نیز اکتفا ننمودند بلکه خانه ایشان را آتش زدند و به خانه ایشان حمله کردند و امیرالمومنین علیه السلام را به زور و جبر و هتک حرمت و تهدید بیرون کشیدند تا با ابوبکر بیعت کنند. در جریان این حمله، حضرت فاطمه، از امیرالمومنین علی علیه السلام دفاع کردند ولی مورد هجمه و حمله واقع شدند و به شدت مجروح شده و در نهایت در حدود سه ماه بعد از شهادت پیامبر، ایشان نیز در تاریخ ۳جمادی الثانی به شهادت رسیدند. شهادت پیامبر و شهادت مادرشان حضرت فاطمه، بر امام حسین علیه السلام بسیار سخت گذشت. امام حسین، همیشه پیامبر را در مسجد، بر روی منبر می دیدند و در حال سخنرانی و به خدمت ایشان می رسیدند و مورد لطف و محبت ایشان واقع می شدند حالا به شهادت رسیدند، مادرشان نیز به شهادت رسیده و پدرشان امیرالمومنین علی علیه السلام نیز از حق خلافت و حکومت خود، منع شده و مورد هتک حرمت قرار گرفته است و دیگرانی بر سر کار آمده و به حکومت رسیده اند که این هتک حرمتها را نسبت به پدر و مادرشان انجام داده اند. به هر حال اینگونه شد که ابوبکر، به حکومت رسید و دو سال حکومت کرد. گاهی اوقات، امام حسن یا امام حسین، از اینکه می دیدند ابوبکر، جای پیامبر بر منبر نشسته و حق حکومت پدرشان امیرالمومنین علی علیه السلام را غصب کرده، ناراحت و متاثر می شدند و در حضور اصحاب پیامبر، خطاب به ابوبکر می فرمودند: از منبر، پدر من پایین بیا و بر منبر خودت بالا برو.

با فوت ابوبکر، عمر بن خطاب به حکومت رسید و حدود ۱۰ سال حکومت کرد. پس از او نیز عثمان بن عفان، به حکومت رسید و ۱۳ سال حکومت کرد و در اثر ظلمهایی که به مسلمین نمود، به قتل رسید. پس از قتل او، مسلمین از امیرالمومنین علی علیه السلام، درخواست کردند که حکومت را قبول نمایند. با اصرار مردم، امیرالمومنین علی علیه السلام، حکومت را قبول نمودند؛ ولی باز عده ای کار شکنی کردند و نگذاشتند حکومت امیرالمومنین علی علیه السلام به روال عادی و سیر طبیعی خودش پیش برود و جنگ صفین، جمل و نهروان را به حضرت، تحمیل نمودند. در این جنگها، امام حسین علیه السلام، جان بر کف، در خدمت پدر بزرگوارشان امیرالمومنین علی علیه السلام بوده و از ایشان دفاع می کردند. در این جنگها، هزاران نفر به قتل رسیدند و مسئولیت شرعی کشته ها، به عهده کسانی بود که مردم را بر علیه امیرالمومنین علی علیه السلام تحریک کردند و مردم را به جنگ بر علیه ایشان فرا خواندند.

حکومت امیرالمومنین علی علیه السلام، ۵ سال طول کشید.

در تاریخ ۱۹ ماه مبارک رمضان، امیرالمومنین علی علیه السلام در مسجد کوفه، در حال نماز و عبادت بودند، که به طور ناگهانی مورد حمله یکی از دشمنان خدا به نام ابن ملجم مرادی قرار گرفتند.

ابن ملجم مرادی از خوارج و دشمنان حضرت بود که کمین کرده بود و با شمشیری زهر آگین، بر فرق مبارک ایشان زد و باعث جراحت شدید ایشان شد و در اثر آن جراحت، آن بزرگوار در ۲۱ ماه مبارک رمضان به شهادت رسیدند و در نجف، به خاک سپرده شدند. در این مراسم، فرزندان ایشان بالاخص امام حسن، امام حسین، محمد حنفیه و حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام حضور داشتند. شهادت امیرالمومنین علی علیه السلام بر فرزندان ایشان، از جمله امام حسین علیه السلام، بسیار سخت گذشت. پس از شهادت امیرالمومنین علی علیه السلام، طبق وصیت ایشان، امامت و خلافت و حکومت بعد از آنحضرت، به امام حسن علیه السلام رسید. دوران امامت امام حسن علیه السلام حدود ۱۰ سال طول کشید. ایشان پس از امیرالمومنین علی علیه السلام حکومت را عهده دار شدند و با معاویه، اعلام جنگ نمودند ولی لشکر ایشان متأسفانه به ایشان خیانت نمودند و این باعث شد امام حسن علیه السلام، ناچار شوند با معاویه صلح کنند. در مدت امامت امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام کاملاً احترام ایشان را داشتند و از ایشان تبعیت و اطاعت می کردند و به احترام ایشان، در حضور ایشان صحبت نمی کردند.

معاویه، در زمان حکومت خود، جنایات زیادی کرد از جمله جنگ صفین را بر علیه امیرالمومنین علی علیه السلام راه انداخت. معاویه، امام حسن علیه السلام را از طریق جعهده به شهادت رساند. امام حسن علیه السلام با امام حسین علیه السلام، بسیار رفیق، صمیمی و مهربان بودند. شهادت امام حسن علیه السلام، بر امام حسین علیه السلام، بسیار سخت گذشت. امام حسن علیه السلام قبل از وفات، بر مصایب امام حسین علیه السلام که آینده بر ایشان وارد خواهد شد در کربلا، گریستند و به ایشان خطاب کردند: لایوم کیومک یا اباعبدالله. عده ای از این امت که ادعای اسلام می کنند، شما را به شهادت می رسانند و مدعی هستند قصد قربت خدا می کنند. امام حسین علیه السلام خطاب به امام حسن علیه السلام خطاب کردند: غارت زده کسی نیست که مالش را گرفتند بلکه غارت زده واقعی کسی است که برادری مانند شما را از دست دهد. پس از شهادت امام حسن علیه السلام، امامت و خلافت امام حسین علیه السلام، آغاز شد. مدت امامت ایشان، حدود ۱۰ سال بود و در روز عاشورا ۱۰ محرم سال ۶۱ هجری به شهادت رسیدند. پس از شهادت امام حسن علیه السلام، حق خلافت و حکومت اسلامی، به امام حسین علیه السلام رسید و مردم شرعا باید به حکومت و خلافت امام حسین علیه السلام معتقد شوند ولی متأسفانه یزید، مدعی خلافت و حکومت اسلامی شد حق خلافت و حکومت اسلامی ایشان را غصب کرد و به این نیز اکتفا نکرد بلکه همه مردم را از جمله امام حسین علیه السلام، به بیعت با خود در حکومت، فرا خواند و کسانی را که مخالفت کردند، به قتل تهدید کرد. از جمله امام حسین علیه السلام را. یزید، به والی و حاکم خود در مدینه، دستور داد از حسین بن علی (امام حسین علیه السلام) بیعت بگیر و اگر قبول نکرد، سر وی را برایم به شام بفرست. حاکم وی در مدینه نیز دستور یزید را در شبی، به ایشان، ابلاغ کرد و حضرت فرمودند: بیعت پنهانی که اراده نداری انجام دهم و بیعت علنی در حضور مردم می خواهی؟ گفت: بله.

حضرت فرمودند: پس تا فردا بینم چه می شود.

مروان در مجلس حاضر بود و به حاکم مدینه گفت: همینجا از او بیعت بگیر و گرنه گردن بزن که اگر از اینجا خارج شود دیگر دست به او پیدا نخواهی کرد که امام حسین علیه السلام، با او به تندی برخورد کردند که تو می خواهی چنین کنی؟ حضرت، قبلا احتمال خطر را می دادند لذا به جوانان بنی هاشم فرموده بودند، آماده باشید که اگر احساس خطر کردم، صدای خود را بلند می کنم و شما داخل شوید در مجلس و حمایت کنید. تا مروان، حضرت را تهدید کرد و امام حسین علیه السلام صدای خود را بلند کردند، بنی هاشم به داخل مجلس آمدند و نقشه قتل امام حسین علیه السلام توسط مروان بن حکم، به شکست انجامید. امام حسین علیه السلام،

شبهانه با همسران و فرزندان و برادران و خواهران و همسرانشان و فرزندان خود و به عبارتی بنی هاشم و اصحاب خود، از مدینه خارج شده و به سمت مکه حرکت کردند زیرا بر جان خود و خانواده خود، احساس خطر کردند. فردا صبح، حاکم مدینه برای بیعت به دنبال امام حسین علیه السلام فرستاد که متوجه شد، حضرت، مدینه را ترک کردند. امام حسین علیه السلام و بنی هاشم و اصحاب، چند ماهی در مکه اقامت کردند تا در آنجا نیز احساس خطر کردند و متوجه شدند یزید، افرادی را مامور کرده که مخفیانه ایشان را در مکه، به قتل برساند. همزمان نامه هایی از عراق و بالاحص کوفه برای امام حسین علیه السلام رسید که ما با یزید بیعت نمی کنیم و امام و هدایت کننده ای نداریم، اگر به عراق (کوفه) بیایید ما از شما حمایت می کنیم و والی یزید را از کوفه اخراج می کنیم و تا پای جان از شما حمایت می کنیم. امام حسین علیه السلام، برای تحقیق نسبت به ادعای های ایشان، پسر عموی مورد اعتماد خود، جناب مسلم بن عقیل را به عنوان سفیر و نماینده خاص خود به کوفه فرستادند تا ادعاهای ایشان را بررسی نماید و اگر صحت ادعاهای ایشان، واقعیت، داشت، برای امام حسین علیه السلام بنویسد تا امام حسین علیه السلام با خانواده و بنی هاشم و اصحاب به سمت کوفه حرکت کنند. از طرفی امام حسین علیه السلام برای مردم کوفه نوشتند که من شخص مورد اعتماد مسلم بن عقیل را به سوی شما می فرستم که ادعاهای شما را بررسی نماید. اگر ایشان، صحت ادعاهای شما را تایید کرد، من به سوی شما حرکت می کنم. جناب مسلم بن عقیل، داماد امیرالمومنین علی علیه السلام، پسر عموی امام حسین علیه السلام و شوهر خواهر ایشان بود. این بزرگوار به کوفه رفت و پس از تحقیق، به امام حسین علیه السلام نوشت که ظاهراً ادعاهای ایشان درست است. امام حسین علیه السلام به سمت کوفه حرکت نمودند. در این بین، یزید، ابن زیاد را به عنوان حاکم کوفه، منصوب نمود و او نیز در حال حرکت به کوفه بود. ابن زیاد زودتر به کوفه رسید و خود را به عنوان حاکم جدید کوفه به مردم معرفی نمود و آنها را به بیعت یزید فرا خواند و تشویق و تهدید کرد ایشان را.

از طرفی با خبر شد که امام حسین علیه السلام در راه آمدن به کوفه هستند و جناب مسلم بن عقیل برای ایشان از مردم در کوفه، مخفیانه، بیعت می گیرد. با تهدید مردم کوفه، جناب مسلم بن عقیل را رها نمودند. جناب مسلم بن عقیل در کوفه، غریب ماند و شناسایی شد و به دارالاماره کوفه آمد و در نهایت، به شهادت رسید. ابن زیاد، رعب و وحشت در میان مردم کوفه و طرفداران امام حسین علیه السلام انداخت و آنها را در حمایت از امام حسین علیه السلام دچار شک و تردید کرد. از طرفی، ماموران و لشکریانی فرستاد تا از ورود امام حسین علیه السلام به کوفه ممانعت نمایند. جناب حربن یزید ریاحی از فرماندهان لشکر ابن زیاد بود که از ورود امام

حسین علیه السلام به کوفه ممانعت نمود و ایشان را در بیابان کربلا، متوقف کرد و نه اجازه برگشت به ایشان داد و نه اجازه ورود به کوفه. از طرفی ابن زیاد، لشکریان زیادی به حمایت از لشکر حر فرستاد و امام حسین علیه السلام را محاصره کردند و از آب هم، ممانعت کردند مگر اینکه ایشان، با یزید بیعت کنند. امام حسین علیه السلام و همراهان ایشان نیز از بیعت با یزید، ممانعت کردند و نتیجه آن شد که تصمیم به قتل امام حسین علیه السلام و همراهان ایشان گرفتند و لشکر ابن زیاد به فرماندهی عمر بن سعد، جنگ را در صبح روز عاشورا، آغاز کرد و تا بعد از ظهر به اتمام رساند. در این مدت، امام حسین علیه السلام، فرزندان ایشان، برادران و برادرزاده های ایشان و خواهر زاده های ایشان و افراد بنی هاشم و اصحاب آن بزرگوار که از امام حسین علیه السلام حمایت کردند، همه را به قتل رساندند و به شهادت نائل آمدند. همه این بزرگواران را پس از شهادت، سرهایشان را از بدن جدا کرده و به نیزه کردند و به عنوان علامت فتح و پیروزی و ارباب و ترساندن مخالفین یزید در کوچه و بازار کوفه می چرخاندند و سپس به شام فرستادند نزد یزید.

همسران امام حسین علیه السلام و فرزندان ایشان، همسران برادران امام حسین علیه السلام و فرزندان ایشان، همسران بنی هاشم و فرزندان ایشان، به همراه غلامان و کنیزان ایشان که باقی مانده بودند را نیز پس از شهادت امام حسین علیه السلام، به اسارت گرفتند و به کوفه نزد ابن زیاد بردند. حضرت زینب سلام الله علیها در حال اسارت در میان مردم کوفه خطبه خواندند و آنها را سرزنش کردند. همچنین در مجلس ابن زیاد با ابن زیاد گفتگو کردند و او را سرزنش کردند. امام سجاد علیه السلام نیز با ابن زیاد گفتگو کردند که ابن زیاد، تصمیم بر قتل ایشان گرفت که حضرت زینب سلام الله علیها از ایشان حمایت کرد و نگذاشتند که اینکار انجام شود. ابن زیاد، گزارش داستان کربلا و شهادت ایشان و همراهان را اعلام کرد و کسب تکلیف کرد. یزید نیز دستور داد کاروان اسرای امام حسین علیه السلام را با سرها به شام فرستد. او نیز اطاعت کرد و ایشان را به شام فرستاد. حضرت زینب سلام الله علیها و امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید در شام سخنرانی کردند و یزید را مفتضح و رسوا نمودند. حضرت ام کلثوم خواهر امام حسین علیه السلام نیز با خواهر بزرگتر خود، کاروان اسرا را مدیریت می کردند و از ایشان مراقبت و محافظت می کردند. ایشان نیز سخنرانیهایی بر علیه حکومت بنی امیه داشت و ایشان را مفتضح و رسوا نمود و سرزنش نمود. در نهایت امام سجاد علیه السلام، حضرت زینب سلام الله علیها و حضرت ام کلثوم سلام الله علیها با سخنرانیهای خود علیه حکومت بنی امیه و بالآخر یزید و ابن زیاد و... تبلیغات بنی امیه بر علیه اهل بیت علیهم السلام بالآخر امیرالمومنین علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام را خنثی کردند و بلکه فضای فکری جامعه را بر علیه حکومت بنی امیه و شخص یزید

کردند تا آنجا که یزید، مجبور شود که بگوید من دستور قتل حسین (امام حسین علیه السلام) را ندیدم و او پیش از خود، چنین کرده است و عمل او را محکوم نمود. امام سجاد علیه السلام با همراه کاروان اسرا، فاتحانه به مدینه بازگشتند. و مسلمین در بلاد مختلف، شهادت امام حسین علیه السلام و طرفداران ایشان را توسط یزید، محکوم نمودند و بعدها عبدالله بن زبیر، به همین بهانه، مردم را بر علیه یزید، شوراند و او را محکوم نمود. قیام توأیین بر علیه حکومت یزید شکل گرفت یعنی مردم کوفه که نتوانستند از امام حسین علیه السلام حمایت کردند، پشیمان شدند و با لشکریان حکومت یزید، که دشمنان امام حسین علیه السلام بودند، جنگ کردند تا به شهادت رسیدند. پس از قیام توأیین، جناب مختار، قیام کرد و شیعیان و دوستان و ارادتمندان امام حسین علیه السلام را برای مبارزه با حکومت بنی امیه و ابن زیاد و قتله امام حسین علیه السلام فرا خواند و جمعیت زیادی با او همراه شدند تا بخ لطف الهی توانست، بسیاری از قتله امام حسین علیه السلام و فرزندان و اصحاب و بنی هاشم را به قتل برساند دشمنان ایشان را به خاک و خون کشید و دل اهل بیت علیهم السلام را شاد نمود. قبر مطهر امام حسین علیه السلام، حضرت ابالفضل العباس علیه السلام و شهدای از اصحاب امام حسین علیه السلام و بنی هاشم در کربلا است و مورد زیارت شیعیان، دوستان و ارادتمندان امام حسین علیه السلام، قرار دارد. هر ساله، میلیونها نفر از ارادتمندان امام حسین علیه السلام از سراسر جهان، برای زیارت امام حسین علیه السلام، قمر منیر بنی هاشم حضرت ابالفضل العباس علیه السلام و شهدای کربلا، به کربلا آمده و ایشان را زیارت می کنند. بالاخص در ایام زیارتی خاص امام حسین علیه السلام مانند شبهای جمعه، روز عرفه، نیمه رجب، نیمه شعبان، ماه مبارک رمضان و بالاخص شبهای قدر، روز، اربعین و..

***آثار و برکات زیارت امام حسین علیه السلام در دنیا، برزخ و قیامت:**

شیعیان و دوستان و ارادتمندان امام حسین علیه السلام، بنا بر محبت و علاقه و ارادتی که به امام حسین علیه السلام و اصحاب ایشان دارند، برای عرض ادب و اظهار محبت و وفاداری به کربلا آمده و به خدمت امام حسین علیه السلام آمده و لذت معنوی می برند.

این دوستان و ارادتمندان، بر مظلومیت امام حسین علیه السلام، اشک می ریزند و گریه می کنند و آرزو می کنند که کاش در کربلا بودیم و ایشان را یاری می نمودیم.

یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما. و با اینکار در ثواب شهدای کربلا، شریک می شوند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز ثوابهای زیادی برای زیارت امام حسین علیه السلام نقل شده است مانند ثواب حج و عمره قبول شده و...

همچنین آثار و برکات زیادی در دنیا، هنگام مرگ، برزخ و قیامت نقل شده است. مانند آمرزش گناهان، استجابت دعاها، زائرین در تحت قبه امام حسین علیه السلام، طول عمر، افزایش رزق مادی و معنوی، تقرب الی الله، دعای ملائکه برای زائر امام حسین علیه السلام، دعاها، پیامبر اهل بیت برای زائرین، اعلام رضایت و خشنودی پیامبر، حضرت زهرا و اهل بیت علیهم السلام از زائر، امان بودن از بلاها و آفات و خطرات، استقبال ملائکه مقیم حرم امام حسین علیه السلام از زائرین و خوش آمد گویی به زائرین، طلب مغفرت و آمرزش ملائکه مقیم حرم امام حسین علیه السلام برای زائر امام حسین علیه السلام.

از موقعی که زائر امام حسین علیه السلام تصمیم می گیرد و قصد می کند که به کربلا برود تا موقعی که به کربلا می رسد و به زیارت امام حسین علیه السلام نائل می آید، در این مدت این ملائکه، به عبادت و ذکر الهی مشغول هستند و ثوابش در نامه عمل زائر نوشته می شود تا به کربلا برسد، پس از آن، مشایعت و همراهی این ملائکه با زائر امام حسین علیه السلام ادامه می یابد تا وقتی که به منزل خود در شهر و دیار خود برسد، سپس اقامت نزد زائر می نمایند؛ اگر مریض شود و بیمار، به عیادتش می آیند، اگر بمیرد، در مراسم تشییع جنازه اش حاضر می شوند، پس از گذاشتن او در قبر، نیز در قبر او، اقامت می کنند تا روز قیامت و تا اینکه او را از قبر تا بهشت، همراهی نمایند. در تمام این مدت که بیان شد، این ۴ هزار ملائکه، مشغول عبادت خالصانه خدا هستند و ذکر الهی می گویند. و ثواب این عبادتها و ذکرها در نامه اعمال این زائر امام حسین علیه السلام، ثبت می شود. از دیگر آثار و برکات زیارت امام حسین علیه السلام که در روایات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام آمده، این است که اگر به زیارت امام حسین علیه السلام برود، گویا به زیارت خدا در عرش رفته است و زائر خدا به شمار رفته است. در روز قیامت، حساب و کتابش، آسان می شود، از ترس و وحشت و خطرات، ایمن می شود، از آب حوض کوثر، توسط امیرالمومنین علی علیه السلام، می نوشد و سیراب می شود، بهشت بر او لازم و واجب می شود، بهشت، مشتاق او می شود، حوریه های بهشتی، مشتاق و ممتظر حضور و قدوم در بهشت می شوند. نامه اعمالش را به دست راستش می دهند، او را جزو متقین حساب می کنند و اصحاب یمین. ۴۰ سال زودتر از دیگران، وارد بهشت می شود، با امام حسین علیه السلام وارد بهشت می شود. در بهشت، جزو دوستان و ارادتمندان، همنشینان و زائرین امام حسین علیه السلام می شود، از شفاعت امام حسین علیه السلام برخوردار می شود. از نعمتهای بهشتی، کاخهای بهشتی، حوریه های بهشتی همسران او می شوند

و.... برای دریافت مستندات معتبر و تفصیل این احادیث در ثوابها و آثار و برکات زیارت امام حسین علیه السلام در دنیا، موقع مرگ، قبر، عالم برزخ و قیامت می توانید به این منابع مراجعه بفرمایید.

*کامل الزیارات تالیف این قولویه *بحارالانوار تالیف علامه مجلسی، جلد مزار و ثواب زیارت امام حسین علیه السلام در بخش زندگانی امام حسین علیه السلام، تحفه المجالس در معجزات ۱۴ معصوم علیهم السلام در بخش زندگانی امام حسین علیه السلام، مفاتیح الجنان تالیف علامه حاج شیخ عباس قمی، بخش ثواب زیارت امام حسین علیه السلام، این زوار الحسین علیه السلام، کربلا عرش خدا، نور العین فی مشی علی زیاره الحسین تالیف مرحوم آیت الله شیخ حسن اصطهباناتی، منتهی الامال تالیف علامه حاج شیخ عباس قمی بخش زندگانی امام حسین علیه السلام، ناسخ التواریخ زندگی امام حسین علیه السلام و... مراجعه نمایید.

***امتیازات، فوائد و برکات خاک و تربت امام حسین علیه السلام:**

خاک و تربت محل قبر امام حسین علیه السلام و اطراف آن، بسیار ارزشمند، متبرک و مقدس است.

در روایات اهل بیت علیهم السلام امتیازات و برکاتی، برای این خاک و تربت امام حسین علیه السلام، بیان شده است.

از جمله:

همراه داشتن خاک و تربت امام حسین علیه السلام، باعث ایمن شدن در سفر و افزایش رزق و روزی است.

همچنین اگر کسی بیمار و مریض باشد ، و به قصد شفا، و با اعتقاد به اینکه شفا می دهد، مختصری از خاک تربت قبر امام حسین علیه السلام و اطراف آن را (حتی به نقلی خاک زمین کربلا را)، با شرایطش، بخورد و دعاهایش را بخواند ، مقتضی شفای بیماران است.(به تجربه نیز ثابت شده است که بیماران صعب العلاج، با خوردن خاک کربلا، شفا یافته اند).

نماز خواندن با تربت و خاک امام حسین علیه السلام:

باعث قبولی نماز می شود و ثواب نماز را چند برابر می کند.

تسبیح گفتن با تربت امام حسین علیه السلام، ثوابش، چند برابر می شود.

اگر تسبیحی از تربت امام حسین علیه السلام در دستش باشد و ذکر هم نگوید، باز هم، برایش ثواب تسبیح نوشته می شود.

اگر کسی بخاطر گناهان زیاد، زمین، او را قبول نمی نماید، مقداری خاک تربت کربلا، با او همراه نمایند، تاثیر دارد و خاک قبر، او را قبول می نماید.

گذاشتن خاک تربت در قبر میت، برای او منفعت دارد.

اگر کسی در زمین کربلا دفن شود خصوصا نزدیکیهای قبر امام حسین علیه السلام و حرم امام حسین علیه السلام، برای در امان ماندن او از فشار قبر و سوال نکیر و منکر، مفید است.

کسی که مومن باشد و ارادتمند امام حسین علیه السلام و در زمین کربلا دفن شود، مقتضی آن است که در روز قیامت، چنین کسی بدون حساب و کتاب، داخل بهشت می شود.

***آثار گریه بر مظلومیت امام حسین علیه السلام:**

مومنین و شیعیان و دوستان و ارادتمندان امام حسین علیه السلام، روی علاقه ای که به آنحضرت دارند، برایشان سخت است که کسی به ایشان جسارت و هتک حرمت کند. از اینکه بشنوند کسی به ایشان و اهل بیت ایشان و همسران و فرزندان و اصحاب و دوستان ایشان، ظلم نموده است، محزون و غمناک می شوند و دلشان می سوزد و منقلب می شود. در جریان داستان کربلا و روز عاشورا که امام حسین علیه السلام و فرزندان و اصحاب ایشان را به شهادت رساندند و حتی از نوشیدن آب، هم از امام حسین علیه السلام خودداری کردند، دل هر انسان آزاده ای به درد می آید؛ چه برسد به مومنین و شیعیان و دوستان و عاشقان امام حسین علیه السلام.

هر انسانی که هنوز فطرتش سالم است و هنوز قسی القلب نشده است، وقتی می شنود که بر امام حسین علیه السلام و فرزندان ایشان چه ظلمها کردند، و بدون جرم و جنایتی، ایشان را به قتل رساندند و تکه تکه کردند و بعد از شهادت ایشان، سرهایشان را از بدن جدا کردند و بر سر نیزه ها بلند کردند و در کوچه و بازار چرخاندند و بدنهایشان را روی زمین، بدون لباس، رها کردند و دفن نکردند (گویا مسلمان نیستند، اموالشان را غارت کردند

و همسران و فرزندان‌شان را به اسارت بردند مانند اسیران کفار و با آنها معامله کفار کردند در حالیکه از بهترین مسلمانان و با کمال ترین ایشان بودند بلکه امام حسین علیه السلام، به تصریح فرمایش پیامبر، امام مسلمین بودند که تبعیت و اطاعت از ایشان بر مسلمین واجب بود و فرزند و ذریه پیامبر خدا بودند و جگر گوشه پیامبر که بارها پیامبر، از فضایل و مناقب ایشان، سخن گفته بودند که امام حسین علیه السلام از سروران و بزرگان بهشت هستند و....)؛ جگرش کباب می شود و محزون می شود، چه برسد به مومنین و شیعیان و دوستان امام حسین علیه السلام. لذا در روایات اهل بیت علیهم السلام، وارد شده است که یکی از علامت‌های مومن این است که وقتی بر مظلومیت امام حسین علیه السلام، آگاه شد و بر مصیبت‌های ایشان اطلاع یافت، محزون می شود، دلش می سوزد، اشک می ریزد و گریه می کند.

طبق روایات اهل بیت علیهم السلام، در روز قیامت، مومنین و مومنات که ارادتمند و عاشق امام حسین علیه السلام بوده و در دنیا برای مظلومیت امام حسین علیه السلام گریه کردند و عزاداری نمودند، به لطف الهی، خندان و خوشحال وارد می شوند.

خنده کنان می رود روز جزا در بهشت

هر که به دنیا کند، گریه برای امام حسین

***عشق و ارادت و خدمت ملائکه به امام حسین علیه السلام:**

امام حسین علیه السلام را همه خوبان و پاکان و بندگان صالح خدا دوست دارند، هر کس از فضایل و مناقب امام حسین علیه السلام آگاه است، عاشق و دل‌باخته امام حسین علیه السلام است و آرزویش، رسیدن به محضر امام حسین علیه السلام و همنشینی با ایشان، خدمت به ایشان و زیارت ایشان است. از جمله این عاشقان و دل‌باختگان و شیفتگان امام حسین علیه السلام، ملائکه و فرشتگان هستند که هیچ موجودی را خدا، به اندازه فرشتگان و ملائکه، خلق نکرده است. ملائکه در زمین و آسمان‌های هفتگانه، پر هستند و همه مشغول عبادت خدا هستند و تسبیح و تقدیس او.

همه ارادتمند به پیامبر و اهل بیت ایشان هستند و از جمله ارادتمند و عاشق و دل‌باخته امام حسین علیه السلام. جبریل، اسرافیل، میکائیل، عزرائیل، حمله عرش، رضوان خازن و مسئول ملائکه بهشت، مالک خازن و مسئول

ملائکه جهنم و هزاران هزار بلکه میلیون‌ها ملائکه مقرب الهی، همه عاشق امام حسین علیه السلام هستند و آرزوی همنشینی و زیارت و خدمت به امام حسین علیه السلام را دارند و از خدا، توفیق می‌خواهند و اجازه که به زیارت امام حسین علیه السلام بروند و هر روز و شب، ملائکه بسیار به کربلا آمده و امام حسین علیه السلام را زیارت می‌کنند و می‌روند و باز گروه دیگر از ملائکه می‌آیند و می‌روند و تا روز قیامت، این کار تکرار می‌شود.

ملائکه هستند که در کربلا و مجاور قبر مطهر امام حسین علیه السلام هستند و به امام حسین علیه السلام خدمت می‌کنند. آنها در آنجا هستند و به زائرین امام حسین علیه السلام، موقع ورود به حرم امام حسین علیه السلام، خوش آمد می‌گویند. پس از اتمام زیارت، آنها را بدرقه و مشایعت می‌نمایند.

هر گاه یک شخصی قصد می‌کند به زیارت امام حسین علیه السلام نماید، ۴ هزار ملک و فرشته با او همراه می‌شوند و او را اسکورت می‌نمایند تا کربلا و پس از زیارت او، باز همراه او اسکورتش می‌نمایند تا منزل او در شهر و دیارش و بعد در منزل او و اطراف خانه او اقامت می‌کنند، اگر بیمار شود او را عیادت می‌کنند و اگر بمیرد، در مراسم تشییع جنازه او، حاضر می‌شوند تا او را در قبر می‌گذارند. سپس در قبر، همراه او هستند تا قیامت و بعد هنگامی که از قبر بیرون می‌آید، او را تا بهشت و محل سکونت و زندگی‌اش در بهشت، همراهی می‌نمایند. و در تمام این مدت که قصد زیارت امام حسین علیه السلام نموده تا کربلا رفته و بعد به شهر و دیارش رفته و بعد در منزلش بازگشته و تا هنگام وفات و تا قیامت، این ۴ هزار ملائکه، عبادت خدا می‌کنند و تسبیح خدا می‌گویند و ثواب تمام عبادات در نامه عمل زائر امام حسین علیه السلام نوشته می‌شود.

چشم دل، بازکن که جان بینی

آنچه نادیدنی است، آن بینی

آری، آنها که مومن هستند و با تقوا و تهذیب نفس می‌کنند و به مقامات معنوی رسیده و چشم و گوش برزخی و ملکوتی ایشان، باز می‌شود، می‌توانند عالم ملکوت و از جمله این فرشتگان و عبادات و اذکار آنها را ببینند و صدای آنها را بشنوند. می‌توانند ملائکه مقیم حرم امام حسین علیه السلام را ببینند. می‌توانند ارواح مطهر امام حسین علیه السلام، فرزندان و اصحاب کربلا را ببینند و با آنها گفتگو کنند و لذت ببرند. و در طول تاریخ، چنین خوبانی بوده‌اند و الان نیز هستند و خواهند بود. اگر کسی چشم و گوش برزخی و ملکوتی‌اش باز باشد،

ارواح انبیا و اوصیا و اهل بیت علیهم السلام و مومنین را می بیند که در شبهای جمعه و شب نیمه شعبان به زیارت امام حسین علیه السلام می آیند.

***عشق و ارادت انبیا و اوصیا به امام حسین علیه السلام:**

همه انبیا و اوصیای الهی ایشان، به ۱۴ معصوم علیهم السلام اعتقاد داشته و ارادت داشتند و در مشکلات خود، خدا را بحق ایشان قسم می دادند و خدا مشکلات ایشان را حل می نمود. بالاخص خدا را بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام قسم می دادند و خدا، مشکلات ایشان را حل می نمود.

انبیا و اوصیا مانند ملائکه، عاشق و دلباخته حضرت محمد و آل محمد علیهم السلام بودند. در میان انبیا و ملائکه، هر که درجه محبت، اخلاص، معرفت، ارادت، تواضع و دلدادگی و عشقش به حضرت محمد، امیرالمومنین علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین و سایر اهل بیت عصمت و طهارت بالاخص امان زمان علیه السلام بیشتر بود، نزد خدا مقرب تر بود و مورد لطف و عنایت خاص خدا بیشتر قرار می گرفت. در این میان، انبیای اولو العزم که صاحب شریعت بودند و بهترین تمام انبیا هستند، پنج نفر هستند که عبارتند از: حضرت ابراهیم خلیل الله، حضرت نوح، حضرت موسی و حضرت عیسی و حضرت محمد علیهم السلام.

این پنج نفر، درجه محبت، عشق، اخلاص، ارادت، معرفت، تواضعشان نسبت به پیامبر اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بیش از دیگران بود. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در میان این پنج پیامبر اولوالعزم، باز ممتازتر بودند و محبت، عشق، اخلاص و معرفتی عجیب به ساحت مقدس اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام داشتند و عاشق و دلباخته امیرالمومنین علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام بودند. نه صرفاً بخاطر اینکه فرزندان و داماد و نوه ایشان هستند، ایشان را دوست داشتند. بلکه بخاطر اینکه بهترین بندگان صالح خدا هستند و مقرب ترین و با کمال ترین مخلوقات الهی هستند و عاشق ترین فرد هستند نسبت به خدا و عبادت خالصانه او. همچنانکه گذشت، همه انبیا و اوصیا، عاشق و دلباخته امام حسین علیه السلام بودند و عاشق. زیارت ایشان بوده و هستند و در حل مشکلات زندگی خود، خدا را به امام حسین علیه السلام قسم می دادند و مشکلاتشان، حل می شد. خدا، به انبیا و اوصیا الهی ایشان، داستان شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا و روز عاشورا و مصیبت عطش و تشنگی ایشان و همسران و فرزندان و اصحاب ایشان را بیان نموده بود. از هتک حرمت به امام حسین علیه السلام و قتل و شهادت ایشان خبر داده بود. از اسارت همسران، فرزندان، خواهران و... ایشان خبر داده بود. انبیا و اوصیا نیز با آن عشق و ارادتی که به

امام حسین علیه السلام داشتند، وقتی از مظلومیت امام حسین علیه السلام، با خبر می شدند و بر مصیبت‌های انحضرت آگاه می شدند، دلشان می سوخت و جگرشان کباب می شد، منقلب می شدند، می سوختند، ناله می زدند و گریه می کردند بالاخص پیامبران اولوالعزم الهی که شدت محبت، اخلاص، ارادت، عشقشان نسبت به انبیای دیگر بیشتر بود، بیشتر در مصیبت امام حسین علیه السلام می گریستند. آنها حاضر بودند جان خود را فدای امام حسین علیه السلام کنندولی آسیبی به امام حسین علیه السلام نرسد. انبیا و اوصیا الهی پس از وفات، ارواح آنها در بهشت برزخی زندگی می کنند. آنها آزاد هستند و می توانند به هر جا که اراده کنند، بروند. (مگر جایی که خدا، اجازه رفت و آمد به آنجا به ایشان ندهد). ارواح انبیا در جریان شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا در روز عاشورا حاضر بودند و شاهد آن مصیبت عظمی بودند. پس از شهادت امام حسین علیه السلام نیز به زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در بهشت، نائل می شوند. از جمله ایامی که به صورت ثابت و همیشگی به زیارت امام حسین علیه السلام در کربلا، می روند، شبهای جمعه و شب نیمه شعبان است که ارواح ۱۲۴ هزار پیامبر، توفیق زیارت امام حسین علیه السلام را پیدا می نمایند. اگر کسی چشم و گوش برزخی و ملکوتی اش باز باشد، می تواند توفیق زیارت ارواح مطهر انبیا را داشته باشد. در روز قیامت نیز انبیا و اوصیا و ملائکه و مومنین و مومنات در بهشت، به زیارت امام حسین علیه السلام رفته و لذت معنوی می برند. همنشینی با امام حسین علیه السلام لذت معنوی دارد بالاتر از خود بهشت.

حسین جان،

گر انتخاب جنت و کویت به من دهند

کوی تو را به جنت و رضوان نمی دهم

***بهشت و حورالعین از نور امام حسین علیه السلام خلق شده اند:**

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است که بهشت و حورالعین از نور وجودی امام حسین علیه السلام خلق شده است.

یعنی ارزش وجودی امام حسین علیه السلام، بالاتر از بهشت و حورالعین است.

لذا شاعر چه زیبا سروده است:

گر انتخاب جنت و کویت به من دهند

کوی تو را به جنت و رضوان نمی دهم

*شفاعت امام حسین علیه السلام در روز قیامت:

خدا، به بندگان صالح و مقرب خود در روز قیامت، اجازه شفاعت داده است و می تواند هر یک به اندازه مقام و موقعیت معنوی و قرب و منزلتی که نزد خدا دارند، از تعدادی گنهکاران که بخاطر گناهانشان، باید مجازات شوند و به جهنم بروند، و شرایط شفاعت را دارا باشند، شفاعت کنند.

به این معنا که نزد خدا، واسطه شوند و به اندازه آبرویی که دارند، از خدا بخواهند که عده ای از گنهکاران را ببخشد و به جهنم نبرد. خدا، وساطت و شفاعت آنها را قبول نموده و آنها را از عذاب جهنم، نجات داده و وارد بهشت می نماید. یکی از این آبرومندان مهم و مقرب درگاه خدا، امام حسین علیه السلام هستند که بسیار نزد خدا محبوب و مقرب و آبرومند هستند و خدا، به ایشان مقام شفاعت خاص داده است که اگر برای تمام کسانی که از گنهکاران که دارای شرایط شفاعت باشند، شفاعت نمایند، خدا شفاعت ایشان را قبول نموده و همه آنها را از عذاب آتش جهنم نجات می دهد و وارد بهشت می نمایند. امام حسین علیه السلام روز قیامت، از شیعیان، دوستان، ارادتمندان، خادمان، عاشقان، زائران و عزاداران با اخلاص خود، شفاعت می کنند و به شفاعت ایشان، از عذاب جهنم، نجات یافته و وارد بهشت می شوند. لذا باید سعی کنیم به نحوی محبت، اخلاص، ارادت، عشق، خدمت خود را به امام حسین علیه السلام نشان دهیم با نشر فضایل و مناقب امام حسین علیه السلام، با نشر فرمایشات امام حسین علیه السلام، با مداحی و روضه خوانی امام حسین علیه السلام، با گریه بر مظلومیت امام حسین علیه السلام، با بیان مصیبت هایی که بر امام حسین علیه السلام وارد شده و مستمعین ، باشنیدن این مصیبت ها، بگیرند یا خود در مجالس امام حسین علیه السلام به هیات و شکل عزادار درآوریم و لباس مشکی که نشانه عزا است بر تن کنیم، با گرفتن مجالس نقل فضایل و مناقب ایشان، با زیارت امام حسین علیه السلام، با خدمت به فرزندان و ذریه امام حسین علیه السلام، با دفاع از حقوق دوستان امام حسین علیه السلام، با گرفتن مجلس عزای امام حسین علیه السلام، با نام گذاری فرزندان و نوه های خود به نام امام حسین علیه السلام و....

***خلقت نوری امام حسین علیه السلام:**

طبق روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر اهل بیت علیهم السلام، ۱۴ معصوم یعنی پیامبر و اهل بیت ایشان، غیر از خلقت جسمانی و روحانی که همه انسانها دارند، یک خلقت نوری نیز داشته اند که خلقت نوری، مخصوص این بزرگواران بوده است و غیر از ایشان، در میان مخلوقات الهی، شخص دیگری، شریک نیست. حتی انبیا و اوصیا دیگر از این خلقت نوری، بهره ای نداشته اند. امام حسین علیه السلام دارای خلقت نوری بوده اند که وجود نوری ایشان، قبل از سایر مخلوقات الهی بوده است و در آن خلقت نوری، درک و فهم و عقل داشتند و عبادت خالصانه خدا می کردند و شاهد بر خلقت خدا بوده اند. خدا، بدون اینکه به آنها نیازی داشته باشد، پیامبر و اهل بیت را خلق نموده است و به آنها، خلقت نوری داده است. اینها اولین موجوداتی بودند که خدا، خلق کرده است. و بدون اینکه نیازی به شاهد و گواه گرفتن در خلقت کسی داشته باشد که نشانه ضعف و نیاز و احتیاج او به کسی باشد، از باب لطف و عنایت و امتیاز دادن و تکریم و تجلیل از شخصیت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و اینکه قرار است خلیفه الله بشوند و مدیریت خلقت را به اذن خدا، بر عهده بگیرند، آنها را شاهد بر خلق آسمانها و زمین و سایر موجودات قرار داد. آنها شاهد بر خلقت ارواح و ابدان انبیا و اوصیا و ملائکه بوده اند. شاهد بر خلقت جمیع مخلوقات بوده اند.

***خدا، ولایت تکوینی بر تمام مخلوقات را به امام حسین علیه السلام داده است:**

طبق روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، خدا ولایت تکوینی بر تمام مخلوقات خود را به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام داده است که یکی از ایشان، امام حسین علیه السلام هستند.

امام حسین علیه السلام بر آسمانها و زمین و سایر کرات و موجودات از جن و انس و ملائکه و نباتات و گیاهان و حیوانات و جمادات و... ولایت تکوینی دارند یعنی نسبت به آنها هر کاری اراده کنند، می توانند انجام دهند، البته به اذن خدا و قدرت و توانایی که او به امام حسین علیه السلام داده است، حضرت، می توانند تصرف کنند.

امام حسین علیه السلام، بر بهشت و جهنم و ملائکه بهشت و جهنم و دنیا و آخرت و موجودات و مخلوقات ما بین آنها، ولایت تکوینی دارند. بر انبیا و اوصیای ایشان ولایت تکوینی دارند. همچنین ولایت تشریعی دارند بر تمام انبیا و اوصیا و ملائکه و جمیع مومنین و مومنات از جن و انس.

تبعیت و اطاعت از امام حسین علیه السلام بر همه ملائکه، انبیا و اوصیا، لازم و واجب است. و اگر در زمان امام حسین علیه السلام زنده بودند، باید همگی از امام حسین علیه السلام تبعیت و اطاعت می کردند تا سعادتمند و بهشتی شوند و الا راه نجاتی برای ایشان نبود.

***ملائکه، انبیا و اوصیا به برکت و طفیل امام حسین علیه السلام، خلق شده اند:**

طبق روایات رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام، علت غایی خلقت یعنی علت و هدف اصلی از خلقت موجودات ، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام بوده اند و بقیه به طفیل و برکت ایشان، خلق شده و رزق و روزی می خوردند. و یکی از این اهل بیت علیهم السلام، امام حسین علیه السلام بوده اند. پس همه مخلوقات از جمله ما انسانها، به برکت امام حسین علیه السلام، خلق شده ایم.

ملائکه و انبیا و اوصیا نیز به برکت امام حسین علیه السلام، خلق شده اند. بنابراین آنها خود را مدیون امام حسین علیه السلام می دانستند و قدر و منزلت امام حسین علیه السلام را می دانستند و خود را فدایی ایشان می دانستند و حاضر بودند مال و آبرو و جان خود را فدای حضرتش بنمایند.

***جمیع کمالات علمی و معنوی ملائکه، انبیا و اوصیا در امام حسین علیه السلام وجود داشت:**

امام حسین علیه السلام به همه کمالات جسمانی و روحانی، مزین بودند.

همه خوبیها در ایشان جمع بود در آخرین درجات آنها.

متانت، وقار، ادب، مکارم اخلاق، جمال و زیبایی، صبر و حلم، شهامت، شجاعت، علم و معرفت، معنویت، زهد، تقوا و... و در تمام این صفات کمال از همه انبیا و اوصیا علیهم السلام برتر بودند جز بر پیامبر اسلام،

حضرت فاطمه سلام الله عليها و امام حسن عليه السلام که خود به افضلیت و برتری ایشان برخود در کمالات، تصریح نموده اند.

تمام علوم ملائکه، انبیا و اوصیا در نزد امام حسین علیه السلام بود ولی علوم و معارف و اسراری امام حسین علیه السلام می دانستند که هیچیک از ملائکه، انبیا و اوصیا (بجز پیامبر، امیرالمومنین علی، حضرت فاطمه و امام حسن علیهم السلام) از آن علوم و معارف و اسرار اطلاعی نداشتند و همه باید در محضر علمی امام حسین علیه السلام، زانوی تلمذ و شاگردی می نمودند تا با بخشی از آن علوم و معارف و اسرار، آگاه شوند. عبادت خالصانه، مکارم اخلاق، تقوا، ادب، زهد و معنویت امام حسین علیه السلام نیز از همه ملائکه، انبیا و اوصیا (بجز کسانی که استثنا کردم)، بیشتر و بالاتر بود. و جا داشت که امام حسین علیه السلام، معلم و مربی و اسوه و الگوی ملائکه، انبیا و اوصیا می شدند.

البته در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام نیز تصریح شده است:

بنا عبدالله، بنا عرف الله

یعنی هر کسی خدا را شناخت و به او معرفت یافت، از طریق ما اهل بیت بود. عبادت و بندگی خدا را مخلوقات، از طریق ما اهل بیت آموختند. اهل بیت علیهم السلام فرموده اند:

ما به ملائکه، خدا را معرفی کردیم و تکبیر و تحمید و تسبیح را آموختیم.

***منابع مقاله:**

*بحار الانوار تالیف علامه مجلسی (بخش زندگی امام حسین علیه السلام، بخش مزار، بخش خلقت نوری پیامبر و اهل بیت علیهم السلام و...)

*حیوه القلوب تالیف علامه مجلسی

(هر سه بخش: بخش زندگی انبیا و اوصیا، بخش زندگی پیامبر اسلام و بخش زندگی امامان).

*مناقب ال ابيطالب تالیف ابن شهر آشوب

*منتخب التواریخ تالیف فقیه بزرگوار مرحوم آیت الله ملاهاشم خراسانی (بالاخص زندگانی امام حسین علیه السلام).

*شهید کربلا تالیف فقیه بزرگوار مرحوم آیت الله حاج اقا تقی قمی

*منتهی الامال تالیف علامه حاج شیخ عباس قمی (بالاخص بخش زندگانی پیامبر، امیرالمومنین، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام)

*تذکره الشهدا

تالیف فقیه بزرگوار، آیت الله ملا حبیب الله کاشانی

*مقاله ها:

* جمعیت مسلمین در سال ۲۰۵۰ میلادی با مسیحیان برابر می شود

به قلم: حسن طالبیان شریف

*ام المومنین حضرت خدیجه، محبوبترین همسر پیامبر

به قلم:

حسن طالبیان شریف

*حضرت فاطمه، بهترین بانوی با کمال بهشت

به قلم:

حسن طالبیان شریف

*حمایت جناب عباس، عموی پیامبر از حضرت زهرا سلام الله علیها

به قلم:

حسن طالبیان شریف

*حضرت ابوطالب، حجت خدا و وصی پیامبران الهی

به قلم:

حسن طالبیان شریف

*مروری بر زندگانی امام کرامت، حسن بن علی علیهماالسلام

به قلم: حسن طالبیان شریف

*حضرت ام البنین، نمونه یک زن کامل در مکتب فاطمی

مصاحبه با: حسن طالبیان شریف

* شخصیت علمی و معنوی حضرت زینب سلام الله علیها و همسر بزرگوارشان جناب عبدالله بن جعفر

*سیری در شخصیت علمی و معنوی حضرت ام کلثوم

به قلم:

حسن طالبیان شریف

*پرورش یافته امیرالمومنین ، بالاتر از عدالت و پایین تر از عصمت (زندگی نامه جناب محمد حنفیه)

به قلم:

حسن طالبیان شریف

*تذکر:

مقاله های اینجانب حسن طالبیان شریف، در اینترنت ، تحت همین عناوین که ذکر شده ، قابل جستجو و دسترسی است.